

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۳

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش های مهدوی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۲

سال هفتم، شماره ۲۸، بهار ۱۳۹۸

بررسی فرقه گرایی امامیه پس از شهادت امام عسکری علیه السلام

فرشته کوشکی^۱

مجید احمدی کچایی^۲

چکیده

این پژوهش به بررسی فرقه های امامیه بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام تا آغاز غیبت کبری می پردازد. موقعیت سیاسی و سخت گیری های خلفای عباسی برای امامان شیعه به ویژه در فاصله رحلت یک امام و جانشینی امام بعدی مشکلاتی را برای جامعه شیعی ایجاد می کرد. عده ای از شیعیان به دلیل این که در شناخت امام بعدی دچار تردید می شدند، تا مدتی سرگردان بودند و چه بسا به سمت مدعیان غیر واقعی متمایل می شدند. گاهی این گروه ها به اندازه ای از بدنه اندیشه شیعی فاصله می گرفتند که به شکل فرقه یا انشعابی جدا می شدند. این مشکل بعد از امام عسکری علیه السلام به دلیل پنهانی بودن تولد فرزند ایشان بیشتر نمود یافت. علاوه بر این که دوران غیبت نیز آغاز شد. در کتب فرق و مذاهب از فرقه هایی در این دوران یاد شده است. به نظر می رسد نتوان به بسیاری از آنان نام فرقه نهاد. زیرا علاوه بر این که این افراد دارای پیروان زیادی نبودند، در تحولات تاریخی هم از آنان یاد نشده

۱. دانشجوی دکتری رشته اهل بیت علیهم السلام مؤسسه آموزش عالی بنت الهدی قم (نویسنده مسئول)
(f.kooshki46@gmail.com)

۲. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (ahmadi.m@isca.ac.ir)

است. تا جایی می‌توان گفت آنان وجود خارجی نداشتند و یا اگر داشتند در مدت کوتاهی از بین رفتند و تنها در کتب فرق و مذاهب نام آنان آمده است.

واژگان کلیدی

امام حسن عسکری علیه السلام، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، فرقه‌گرایی، جعفر کذاب، امامیه، غیبت صغری.

مقدمه

شکل‌گیری فرقه‌های مبتنی بر اندیشه مهدویت از همان ابتدا در بین مسلمانان وجود داشت. سبائیه پیروان عبدالله بن سبا نخستین دسته‌ای بودند که در اسلام قائل به غیبت علی علیه السلام و بازگشت او شدند. البته اگر این گروه را واقعی بدانیم. زیرا علاوه بر این که وجود عبدالله بن سبا مورد تشکیک است این روایات هم به لحاظ سند معتبر نیستند. (عسکری، ۱۳۶۰) دومین دسته کربیه از پیروان، ابی کرب ضریر، بودند. این گروه محمد بن حنفیه را مهدی موعود علیه السلام می‌دانستند. پس از او بیشتر فرقه‌های شیعه به غیبت و ظهور آخرین امام معتقدند. در فرقه‌های شیعه در باره فرد مهدی اختلاف نظرهایی به وجود آمد. مهدی‌باوری تنها در بین شیعیان مطرح نبود بلکه در کتب اهل سنت نیز به آن اشاره شده است. اهل سنت مهدی را در شخص معین تعیین نمی‌کنند.

در این تحقیق تلاش شده به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود. بعد از رحلت امام عسکری علیه السلام و در واقع در دوره غیبت صغری چه فرقه‌هایی به وجود آمدند؟ کدام فرقه‌ها از قبل وجود داشتند و در این زمان ادامه یافتند؟ آیا این فرقه‌ها تداوم داشتند و یا از بین رفتند؟ آیا می‌توان بر آنان عنوان فرقه نهاد؟ انگیزه شکل‌گیری این فرقه‌ها چه بود؟ آنان به لحاظ جغرافیایی و زمانی تا چه اندازه گسترش یافتند؟

منابع در این موضوع را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: برخی از منابع مربوط به کتاب‌های فرقه‌شناسی و ملل و نحل است. برخی از آنها مانند *ملل و نحل* شهرستانی، *مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین* و کتاب *المقالات والفرق* سعد بن عبدالله اشعری و *فرق الشیعه* نوبختی از منابع دست اول به شمار می‌آیند. در این زمینه از تحقیقات جدید نیز می‌توان سود جست. کتاب‌هایی مانند: *جلد دوم تاریخ فرق اسلامی* درباره فرقه‌های شیعی نوشته حسین صابری و *تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم* نوشته محمد جواد مشکور و *خاستگاه تشیع و پیدایش*

فرقه‌های شیعی در عصر امامان نوشته علی آقا نوری، از این دسته‌اند. هم‌چنین کتاب‌هایی که به بررسی جریان مهدویت در شکل‌گیری قیام‌ها در تاریخ پرداخته‌اند می‌توانند منابع مفیدی باشند. از جمله این کتاب‌ها مهدیان دروغین نوشته رسول جعفریان را می‌توان نام برد. در این کتاب‌ها به بررسی فرقه‌های مبتنی بر اندیشه مهدویت توجه شده است.

تحولات سیاسی و تاریخی نزدیک با غیبت صغری

زمانه امام حسن عسکری علیه السلام با توجه به این که بر دوران غیبت مشرف است از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا نطفه برخی از جریان‌ها در این دوران ریخته شده است. دوران پس از شهادت امام عسکری علیه السلام به علت غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) و مخفی بودن تولد ایشان به دوران حیرت مشهور شده است. لذا به جهت بررسی فرقه‌های دوران غیبت صغری لازم است مختصری شرایط سیاسی آن دوران را بشناسیم.

جامعه شیعی در این دوران از درون دچار چالش‌های سیاسی و کلامی شده بود. علل و عوامل آن در دو قالب سیاسی و مذهبی قابل بررسی است که ریشه‌های تاریخی دارد. بحث حاکمیت سیاسی و دستیابی به قدرت سیاسی یکی از مشکلات جامعه شیعی بود. به نظر می‌رسد اگر شیعه حاکمیت سیاسی را در دست داشت تا این حد دچار فرقه‌گرایی نمی‌شد. برخی بر این عقیده‌اند که پیدایش علم کلام و برداشت‌های ظاهری و باطنی از قرآن و حدیث، گرچه باعث رشد علم و پویایی اندیشه شیعی شد، ولی از سوی دیگر باعث تشتت و تفرقه در میان شیعیان بود. به گونه‌ای که گرایش به هر اندیشه‌ای باعث شکل‌گیری فرقه جدیدی می‌شد. هم‌چنین در مسئله امامت ضرورت سیاسی و یا دینی وجود امام نیز موجب شکل‌گیری اندیشه‌های مختلف شد. از جمله می‌توان به فرقه‌های کیسانیه و زیدیه اشاره کرد. مسائلی از قبیل نص امام، عصمت امام، اعلی‌ت علمی امام نیز از مباحثی است که در کلام شیعی زمینه‌هایی برای ایجاد فرقه‌ها بود. (قاعدان، ۱۳۸۶ ش: ۱۰۹)

از سوی دیگر اندیشه الوهیت و غلو نسبت به امامان نیز زمینه دیگری برای ایجاد فرقه‌های مختلف بود و چه بسا بنی امیه و بنی عباس خود با دامن زدن به این اندیشه‌ها موجب ایجاد فرقه‌ها و اندیشه‌های مختلف می‌شدند تا مانع وحدت استراتژیک شیعیان شوند و تا حدودی در این امر هم موفق شدند. حاکمان اموی و عباسی توانستند با سرکوب آنان و از بین بردن قیام‌ها دست شیعیان را از قدرت سیاسی کوتاه کنند. بنابراین می‌توان گفت یکی از دلایل مهم

ایجاد تفرق و فرقه‌گرایی در درون شیعه دوری آنان از قدرت سیاسی بود و دیگری شبهه‌ها و انحرافات عقیدتی که منجر به سرگرم شدن شیعیان به مباحث کلامی و ایجاد فرقه‌های مختلف گردید. (همو: ۱۱۸)

دوران امام عسکری علیه السلام از دوران حساس تاریخ امامان شیعه بود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ش: ۱۷) این دوره را می‌توان دوره تلاش گسترده تشکیلاتی در جهت برنامه‌ای دراز مدت در سیر تحول دوران‌های امامان شیعی در نظر گرفت. این دوره از زمان امام جواد علیه السلام شروع شد و دوران امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام را در بر گرفت. این زمان برهه‌ای از تاریخ شیعه بود که با فشارهای شدید از سوی خلفای عباسی همراه بود. در این دوران دیگر تلاش‌های کوتاه مدت کارساز نبود. رویکرد این سه امام در جهت برنامه‌ریزی برای اهداف دراز مدت بود. امامان شیعه به دنبال آگاهی بخشی مردم بودند. در مقابل حکومت‌هایی که به ظاهر مدعی اسلام بودند، تنها راه نجات جامعه برانگیختن هوشیاری مردم برای مبارزه با این قدرت‌هاست. بر همین اساس امام جواد علیه السلام با مامون مبارزه کرد و در ۲۵ سالگی به شهادت رسید. (قمی، ۱۳۳۸: ج ۲، ۳۵۰) دوران امام هادی علیه السلام همزمان با شش خلیفه عباسی بود که آخرین آن‌ها معتز بود. شدت عمل حکومت‌ها در این دوران موجب تغییر استراتژی اهل بیت علیهم السلام شد. ائمه روش‌هایی را به کار بردند که با وجود همین شرایط، شیعه در این دوران روز به روز وسعت پیدا کرد و قوی‌تر شد. این گسترش با تشکیلات پنهانی و برنامه‌ریزی دقیق امامان شیعه شکل گرفت. (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۳۲۲) شکل‌گیری حکومت‌های محلی شیعی در برخی مناطق جهان اسلام شاهد این مدعاست. به عنوان نمونه حکومت زیدی علویان - ۲۵۰ هجری - در طبرستان و ادریسیان سال ۱۷۲ هجری در شمال آفریقا حکومت تشکیل دادند. در همین زمان‌ها قیام‌های مختلف شیعی از علویان و زیدیان در سرتاسر جهان اسلام شکل گرفت. به عنوان نمونه قیام‌های: زید بن علی علیه السلام در ۱۲۱، یحیی بن زید در ۱۲۵، قیام نفس زکیه، ابن طباطبای حسنی در کوفه در سال ۱۹۹-۲۰۰ و محمد بن قاسم در خراسان ۲۱۹، یحیی بن عمرو بن حسین ۲۳۲ در خراسان، قیام حسین بن احمد علوی در قزوین ۲۵۱، قیام علی بن زید بن حسین ۲۵۶، قیام عیسی بن جعفر ۲۵۵، قیام احمد بن محمد بن عبدالله در محلی بین برقه و اسکندریه را می‌توان جزء این قیام‌ها به شمار آورد. (جعفریان، ۱۳۸۷: ش: ۱۰۰-۱۰۱)

نمونه دیگر حضور علمای شیعه در مراکز مختلف جهان اسلام بود. حضور شیخ کلینی در ری نشان‌دهنده فضای شیعی در این منطقه بود. (همو: ۲۱۳) شیخ صدوق سفرهای زیادی به

شهرهای مختلف اسلامی برای جمع‌آوری حدیث داشت. (همو: ۲۰۹) این نشان‌دهنده وجود محدثان در سراسر جهان اسلام بود. این‌ها شرایطی بود که با درایت و مدیریت ائمه ایجاد شده بود. در این شرایط حفظ اصل دین و نظام‌سازی از مهم‌ترین اهداف ائمه علیهم‌السلام بود. چراکه طی ۲۵۰ سال حکام جور در پی از بین بردن اصل اسلام بودند. هدف ائمه حفظ معارف، حفظ قرآن و سنت پیامبر ﷺ بود. آنان توانستند به بهترین نحو این رسالت را به وسیله شبکه ارتباطی وسیعی که در سرتاسر جهان تشکیل داده بودند، انجام دهند. حکومت هم تا حدی این را فهمیده بود و به همین جهت امامان را در فشار بسیار قرار داد. در این شرایط بود که امام عسکری علیه السلام باید برای آینده این نظام نیز برنامه‌ریزی می‌کرد. امام عسکری علیه السلام با مخفی کردن تولد فرزندشان اجازه ندادند دستگاه خلافت از وجود وی آگاه شود تا در صدد نابودی وی برآید. (مفید، ۱۳۷۸ ش: ج ۲، ۷۳۸) با این همه پس از رحلت امام عسکری علیه السلام فرقه‌های مختلفی شکل گرفتند. به جز امامیه همه آنان از بین رفتند و این نبود مگر با برنامه‌ریزی‌ها و روشن‌گری‌های امام عسکری علیه السلام در دوران امامت آن بزرگوار.

به دلیل مخفی بودن تولد امام مهدی علیه السلام از دید عموم و خبر نداشتن بسیاری از مردم از فرزند امام عسکری علیه السلام اختلافاتی بر سر جانشینی آن امام ایجاد شد. بر همین اساس عصر امام عسکری علیه السلام را می‌توان مانند عصر پس از هارون و مامون اوج فرقه‌گرایی و مذهب‌سازی دانست. از این جهت که امام رضا علیه السلام هم تا مدت‌ها فرزند نداشتند و شبهه جانشینی ایشان برای برخی موجب انحرافات شد. امام عسکری علیه السلام در دو جبهه می‌جنگید، با قدرت خلفا از یک سو و با فرقه‌های منحرف از سوی دیگر. هدف امام حفظ هویت اسلام و اتحاد مسلمانان بود. محمدجواد مشکور بر این عقیده است که در این عصر حتی درباره تعداد ائمه علیهم‌السلام نیز اختلافاتی وجود داشت و برخی فرقه‌هایی بودند که تعداد ائمه علیهم‌السلام را ۱۳ نفر می‌دانستند. از این رو زید بن علی بن حسین را در شمار ائمه ذکر کرده‌اند. (مشکور، ۱۳۷۲ ش: ۱۳۱)

فرقه‌های پس از امام عسکری علیه السلام

غیبت صغری از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ و در دوران حکومت عباسیان بود. امام عسکری علیه السلام در دوران خلافت معتمد عباسی در سال دویست و شصتم و در سن بیست و نه سالگی به شهادت

رسید. (مسعودی، ۱۳۷۴ ش: ج ۲، ۵۹۹) مسعودی در این باره چنین می‌گوید:

وی پدر مهدی منتظر بود که امام دوازدهم امامیه است و اکثریت شیعه ایشانند. اینان درباره امام منتظر خاندان پیامبر ﷺ پس از رحلت حسن بن علی ﷺ اختلاف کرده و بیست فرقه شدند.

مسعودی در ضمن می‌گوید:

در باره عقاید مذهبی هر فرقه و آنچه درباره غیبت می‌گویند در کتاب سر الحیات و کتاب المقالات فی اصول الدیانات مطالبی آورده است. (همو)^۲

این جمله مسعودی نشان‌دهنده این است که بیشتر این فرقه‌ها در رابطه با اندیشه مهدویت ایجاد شده‌اند. در کتاب *فرق الشیعه* نوبختی فرقه‌های بعد از امام عسکری ﷺ چهارده فرقه ذکر شده است، ولی سیزده فرقه را توضیح می‌دهد.

بعد از امام عسکری ﷺ جز زیدیان و اسماعیلیان که از قبل بودند، دیگر گروه‌های شیعه یا از بین رفتند و یا به گروه‌های سه گانه ملحق شدند و جز در کتاب‌های *ملل و نحل* نامی از آن‌ها باقی نمانده است.

می‌توان فرقه‌هایی که نوبختی ذکر کرده به چند دسته تقسیم کرد:

۱. کسانی که رحلت امام عسکری ﷺ را باور نداشته و او را به عنوان «مهدی آل محمد ﷺ» زنده می‌دانستند و به نام «واقفه»، یعنی کسانی که بر امام عسکری ﷺ توقف کرده‌اند، شناخته می‌شوند؛

۲. کسانی که پس از رحلت امام عسکری ﷺ به برادر آن حضرت، جعفر بن علی الهادی گرویده و به دلیل آن که فرزند امام عسکری ﷺ را ندیده بودند، به امامت جعفر ملقب به کذاب گردن نهادند که دسته‌ای از آنان وی را جانشین امام یازدهم و دسته‌ای دیگر او را به عنوان امام یازدهم می‌شناختند که به اینها «جعفریه» می‌گویند؛

۳. عده‌ای که پس از انکار امامت حضرت عسکری ﷺ به امامت اولین فرزند امام هادی ﷺ، «محمد» که در حیات پدر چشم از جهان فرو بسته بود، گرویدند، به اینها «محمدیه» گفتند؛

۴. شمار دیگری بر این باور بودند، همان‌گونه که پس از رسول خدا دیگر پیامبری نخواهد

۱. البته تعبیر ایشان این است: در بیست و نه سالگی درگذشت.

۲. ابوالحسن مسعودی از اعقاب عبدالله بن مسعود متوفی ۳۴۵ تمام آثار مسعودی از بین رفته است و تنها مروج الذهب و کتاب التنبيه و الاشراف باقی مانده است.

آمد، پس از رحلت امام عسکری علیه السلام نیز امامی وجود نخواهد داشت؛

۵. فرقه دیگر، امامیه بودند که اکثریت قریب به اتفاق شیعیان را تشکیل می‌دادند و به امامت حضرت مهدی علیه السلام اعتقاد داشتند. این جریانی بود که رهبری اصولی شیعیان امامی را به عهده گرفت.

خطرناک‌ترین و پر دردسرت‌ترین گروه‌های فعال در این دوره، جریان جعفر است که از درون بیت امام برخاسته بود. اشعری در کتاب *مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین* نامی از این فرقه نبرده است. ولی در کتاب *المقالات والفرق* به نام جعفریه خلص از آنان نام برده است. (الاشعری، ۱۳۶۳ ش: ۱۰۱)

امام هادی علیه السلام چند پسر داشت: محمد یکی از فرزندان ایشان بوده منابع از وی به نیکی یاد می‌کنند به گونه‌ای که گمان امامت در مورد او می‌رفته است اما در زمان حیات پدر وفات می‌کند. (مشکور، ۱۳۷۲ ش: ۳۹۴) در همان زمانی که زنده بود عده‌ای به این امید که امام می‌شود اطراف او جمع شدند و به تبلیغات پرداختند. این‌ها بعد از فوت محمد حاضر نشدند بپذیرند که او مرده است. عده‌ای هم که پذیرفتند، قبول نکردند که امامت از این شخص بیرون رفته است. عده‌ای نیز گفتند که امامت به فرزندش منتقل شده، عده‌ای نیز قائل شدند به غلامش «نفیس» منتقل شده است. (همو: ۴۴۷)

فرزند دوم، جعفر بن علی مشهور به جعفر کذاب بود که مدعی بود برادرش فرزندی نداشت و خود ادعای امامت کرد. برخی نیز انحرافات اخلاقی برای وی بیان کرده اند. (عمری، ۱۴۰۹ ق: ۱۳۱) کنیه‌ی او ابو عبدالله بود و به واسطه فرزندان بسیاری که داشت به کرین ملقب شده بود. گویند از وی یکصد و بیست فرزند بر جای مانده است. به آنان رضویون گفته می‌شود به جهت نسبت به جدشان امام رضا علیه السلام. (ابن عنبه، ۱۴۲۵ ق: ۲۴۲) وی در ۴۵ سالگی و در سال ۲۷۱ هجری درگذشت. قبرش در کنار قبر پدرش در سامراست. گفته شده وی مردی دنیادوست و عشرت‌طلب و طالب مقام برادر بود و برای رسیدن به این مقام از هر وسیله‌ای استفاده کرد. (مشکور، ۱۳۷۲ ش: ۱۴۰) وی پس از این که کسی به او اعتنایی نکرد نزد خلیفه رفت و خواست او را به مقام برادرش بگمارند و در این راه مبالغ زیادی هزینه کرد ولی موفق نشد. (مفید، ۱۳۷۸ ش: ج ۲، ۷۳۸؛ شافعی و احمدی کچایی، ۱۳۹۶)

جعفر از همان زمان امامت امام هادی علیه السلام با برادرش و با امام سازگار نبود و با مخالفین امام علیه السلام همدست می‌شد. به عنوان نمونه در سال ۲۴۸ حارث بن حاتم قزوینی یکی از

بزرگ‌ترین وکلای امام در سامراء با وکیل دیگر امام بنام علی بن جعفر حماني درگیر شد و امام نیز او را عزل کرد، اما به شیعیان فرمود چیزی به او نگویند. حارث بن حاتم فهمید و جریان شدیدی علیه امام ایجاد کرد، وی به تبلیغ علیه امام پرداخت و اموال امام را تصاحب کرد. در همین زمان جعفر با او هم‌دست شد. اما بیش‌ترین قسمت فعالیت جریان جعفر، بعد از وفات امام حسن عسکری علیه السلام بود، در این زمان نیز، متکلمان بزرگی چون علی بن طاحن به او پیوستند. این جریان، بسیار فعال بود؛ خصوصاً این که سردمدار این جریان فرزند مستقیم امام بود.^۱ در *عمدة الطالب* برای امام دو فرزند ذکور ذکر شده و نامی از دختر برده نشده است. شهرستانی بعد از امام عسکری علیه السلام از یازده فرقه نام می‌برد. وی از فاطمه بنت علی نیز نام می‌برد که بعد از رحلت جعفر به امامت علی بن جعفر قائل به شرکت بود. (شهرستانی، ۱۳۶۸ق: ج ۱، ۲۷۳-۲۸۳) در کتب علمای شیعه هم چون شیخ مفید پنج فرزند برای امام هادی علیه السلام ذکر شده که یکی از آنان دختری است به نام عایشه. (مفید، ۱۳۷۸ش: ۷۱۸) ممکن است آن حضرت دارای دختری بوده ولی به نام‌های مختلف ذکر شده است و یا منظور از فاطمه همان خواهر فارس بن حاتم باشد.

بنابر این به نظر می‌رسد بیشتر فرقه‌هایی که در این دوران به وجود آمدند حول اندیشه مهدی‌باوری شکل گرفتند. مهدی‌باوری یک اندیشه مسلم در میان شیعیان و غیر شیعیان بود. لذا در مصداق آن دچار انحرافات عمدی و غیرعمدی و ناآگاهانه شدند. برخی از غالیان نیز بعد از امام عسکری علیه السلام منشا ظهور فرقه‌هایی در بین شیعیان بودند. به دلیل این که برخی مدعیان مهدویت از سوی غالیانی از اصحاب ائمه علیهم السلام مطرح شده است و این افراد فرقه‌هایی را بعد از امام عسکری علیه السلام ایجاد کردند، لازم است اشاره‌ای به این مدعیان و اندیشه غلو داشته باشیم. به عنوان نمونه غالی معروف مغیره بن سعید درباره امام باقر علیه السلام به عنوان امامت ایشان تا زمان خروج مهدی معتقد بود. (جعفریان، ۱۳۹۴ش: ۸۲) به دلیل شکل‌گیری برخی از مفاهیم جدید در سازمان داخلی شیعه امامی ماجرای ادعای مهدویت در داخل شیعه به ویژه بعد از امام کاظم علیه السلام شکل‌های جدیدی یافت. مفاهیمی که

۱. گفته شده خواهر او بنام فاطمه که البته با جعفر از یک مادر بوده‌اند نیز به جریان جعفر می‌پیوندد و همراه با خواهر فارس بن حاتم قزوینی فعالیت می‌کند. در این که آیا چنین دختری وجود داشته یا نه اختلاف نظر وجود دارد. در کتاب المجدی نام دو پسر برای امام هادی علیه السلام آورده شده است و اسمی از فرزند دختر نیامده است. البته ممکن است به این علت باشد که در این کتاب بر نسب و فرزندان ذکور تأکید شده است. (عمری، ۱۴۰۹ق: ۱۴۰)

برخی غلات را بر آن داشت تا برای سوء استفاده خود را در آن جایگاه قرار دهند. نخستین آن‌ها مفهوم وکالت بود که از سوی امامان طراحی شده بود. وکیلان پایگاه‌های علمی و مالی بودند و نزد امامان جایگاهی داشتند. از این رو زمینه مناسبی برای برخی سودجویان بود. برخی از همین وکلا بودند که پس از یافتن جایگاه و دسترسی به اموال امام ادعاهای بالاتری کردند. مفهوم دیگر مفهوم نیابت بود که به ویژه پس از غیبت مطرح شد. مفاهیم دیگر مفهوم سفارت و بابیت بود که منشا مشکلاتی برای شیعه شد. جریان غلو در این دوران نیز مانند دوران‌های قبل در میان شیعیان نفوذ داشت. یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها محمد بن علی شلمغانی بود که باورهای غالیانه وی در حد حلول و تناسخ موجب اعدام وی شد. (همو: ۸۵-۸۶) مدعیان مهدویت در این دوران از میان طیف‌های مختلفی بودند. برخی از وکلا بودند، برخی از اصحاب امام بودند، عده‌ای هم از کارگزاران امام بودند. کسانی که در منطقه‌ای مسئولیتی از طرف امام داشتند. برخی هم منفعت‌طلبانی بودند که جایگاهی در بین شیعیان نداشتند ولی سعی می‌کردند از فضای ناآرام دوران غیبت به نفع خود سوء استفاده کنند.

برخی غالیان در این دوره مدعی بابیت امام زمان علیه السلام شدند. غالیان این دوره بیشتر در بغداد و سامرا حضور داشتند. آنان از عدم حضور امام در جامعه استفاده کردند. اسامی برخی از آنان این گونه ذکر شده است:

موسی السواق، حسین بن علی خواتیمی، کشی در ذکر غلات دوران امام عسکری علیه السلام از این دو تن نام برده است. (کشی، ۱۳۴۸ ش: ۵۲۱) برخی از غالیان از مدت‌ها قبل ادعاهایی داشتند و در دوره غیبت صغری مسئله مهدویت را مطرح کردند. محمد بن موسی شریعی که از یاران امام هادی علیه السلام نیز بوده است. منابع او را اولین کسی می‌دانند که در غیبت صغری مدعی بابیت حضرت مهدی علیه السلام شد. (طبرسی، ۱۳۸۶ ق: ج ۲، ۴۷۴) دیگری محمد بن نصیر نمیری است. وی بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام مدعی بابیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شد. منابع بسیاری نصیری را پیروان محمد بن نصیر نمیری دانسته‌اند. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ ق: ج ۸، ۱۲۲) پنجمین فرد غالی این دوران محمد بن علی بن بلال معروف به بلالی است، وی در ابتدا از اصحاب و وکلای امام عسکری علیه السلام بود و از جایگاه بالایی برخوردار بود. اما در دوران وکلاء امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دنیاطلبی وی باعث انحرافش شد به نحوی که توقیعی در لعن و براءت از وی از سوی امام صادر شد. (طبرسی، ۱۳۸۶ ق: ج ۲، ۴۷۶) ششم احمد بن هلال عبرتایی (۱۸۰-۲۶۷) از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود. جایگاه معتبری در میان اصحاب داشت. اما به

غالیان پیوست و نیابت محمد بن عثمان را انکار کرد. (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۸۳) هفتم حسین بن منصور حلاج و حلاجیه (۲۴۴)، بیشتر به نام پدرش منصور حلاج مشهور بود. وی از مدعیان دروغین بابیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود و تلاش کرد از این طریق مردم را فریب دهد. حلاجیه به عنوان پیروان حسین بن منصور عقاید غالیانه و افراطی درباره او داشتند. گفته شده آنان مدعی الوهیت حسین بن منصور بودند. (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق: ج ۸، ۱۲۶) هشتم محمد بن علی شلمغانی معروف به ابن ابی العذاقر از فقهای امامیه بود. او بعدها مدعی بابیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شد. این ادعاهای او سبب شد از طرف حسین بن روح مورد لعن قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین ادعاهای او ادعای حلول بود. (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۰۴)

گروهی از شیعیان که به اهل فترت مشهور شدند، پس از رحلت امام یازدهم به فترت یعنی خالی ماندن زمان از وجود امام عقیده داشتند. (نوبختی، ۱۹۳۱م: ۸۷)

گروهی دیگر در این دوران به نام فطحیه خُلص بودند. اینان فرقه‌ای از فطحیه بودند که امامت دو برادر را در صورتی که برادر بزرگتر پسری نداشته باشد جایز می‌دانستند. (نوبختی، ۱۹۳۱م: ۹۴) نفیسیه گروهی از فرق شیعه امامیه بودند که بعد از امام عسکری به وجود آمدند. (نوبختی، ۱۹۳۱م: ۸۹)

علت‌های فرقه‌گرایی در این دوران

می‌توان گفت سه عامل مهم و اساسی در ایجاد فرقه‌ها در درون سازمان‌های دینی دخیل هستند:

- ایجاد اختلافات اجتماعی؛

- عوامل خارجی؛

- عوامل تاریخی اجتماعی و فرهنگی.

مخفی بودن تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و زندگی ایشان، سری بودن نهاد وکالت، مسئله تقیه، فشار حاکمان و عدم دسترسی به امام نیز از شرایطی بود که زمینه را برای طرح مسئله مهدویت آماده می‌کرد. این شرایط باعث شده بود که شیعه در یک دوره حیرت و سرگردانی قرار بگیرد و باعث سوء استفاده برخی سودجویان شد که مدعیان دروغین و منفعت‌طلبان از جمله آنان بودند.

تأثیر شرایط سیاسی اجتماعی و فرهنگی بر شکل‌گیری فرقه‌های شیعی

شرایط سیاسی دوران غیبت صغری در شکل‌گیری فرقه‌ها نقش زیادی داشت. حکومت عباسیان به دلیل آگاهی از زمان تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تلاش‌های زیادی برای متولد نشدن ایشان داشتند. به گونه‌ای می‌توان گفت شرایط تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند حضرت موسی علیه السلام بود. لذا دوران خفقان شدیدی بر شیعیان حاکم بود. برای شناخت شدت خصومت عباسیان در این دوران اگر به آمار کشته‌شدگان از آل ابی طالب در دوران‌های مختلف عباسی بنگریم، بیشترین این آمار را در دوران مهتدی و معتمد می‌بینیم. (جعفریان، ۱۳۸۷، ش: نمودار شماره ۱۱) حاکمان و خلفای دوره غیبت صغری از این قرارند: معتمد ۲۵۶-۲۷۹، معتضد ۲۷۹-۲۸۹، مکتفی ۲۸۹-۲۹۵ و مقتدر ۲۹۵-۳۲۰. سیاست‌های این حاکمان در اعمال زور و فشار موجب می‌شد که ارتباط مستقیم با امام و نایبان ایشان در حد کمی باشد و نایبان به شکل مخفیانه عامل ارتباط بین مردم و امام بودند. قیام‌های شیعی زیدی و اسماعیلی در این دوران شکل گرفت. مانند قیام عیسی بن جعفر ۲۵۵، قیام علی بن زید بن حسین ۲۵۶، قیام احمد بن محمد بن عبدالله. امامان شیعه با هیچ یک از این قیام‌ها ارتباط نداشتند. زیرا امامان شیعه ضمن این که برای عباسیان مشروعیت قائل نبودند قیام‌ها در این دوران را مفید نمی‌دانستند و هدف شیعه را فراتر از رهبری یک قیام سیاسی می‌دانستند. مهم‌ترین اقدام آنان سامان دادن به اوضاع فرهنگی و فکری و معنوی و سیاسی و اجتماعی شیعیان به عنوان یک جامعه مستقل در طول تاریخ بود. لذا عمده فعالیت‌های ائمه به ویژه امام عسکری علیه السلام در راستای همین اهداف بود. پاسخ‌گویی به پرسش‌های مذهبی و دینی و شبهات شیعیان، کمک مالی به شیعیان نیازمند، تلاش برای حفظ شیعیان از شر حکومت عباسیان و آماده ساختن آنان برای غیبت امام دوازدهم، مقابله با فرقه‌هایی چون صوفیه، واقفه، مفوضه و غالیان، ارسال نامه‌های فراوان به شیعیان به هدف هدایت آنان، اداره سازمان وکالت و نظارت بر آن و تایید کتاب‌هایی که مؤلفان شیعه برای هدایت مردم می‌نوشتند، از جمله این فعالیت‌ها بود.

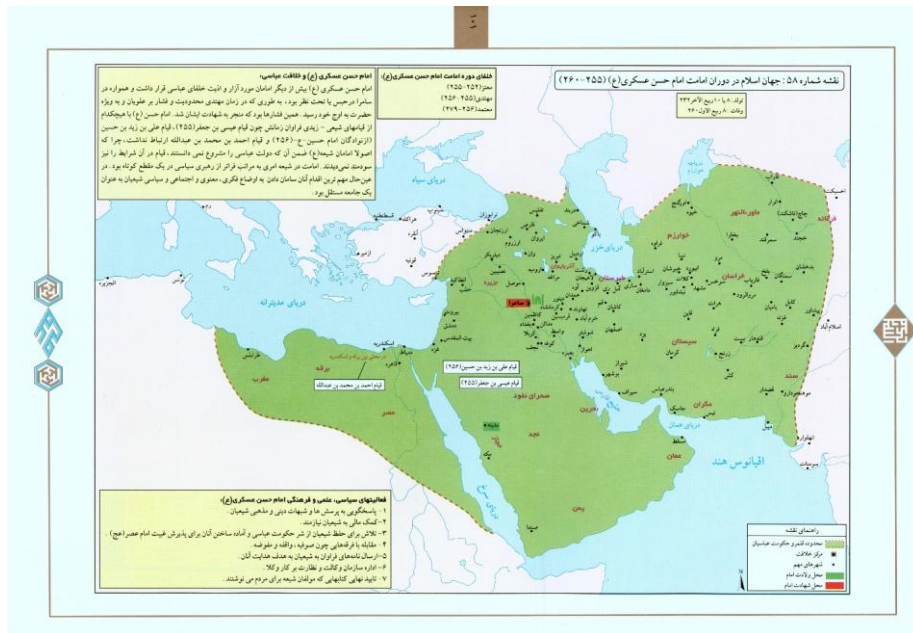
البته فشارهای حکام موجب سردرگمی و گمراهی برخی از شیعیان شده بود. از طرفی افراد فرصت طلب هم از جهل مردم استفاده کردند و افکار شیعیان را به سوی منافع خود کشاندند. دامن زدن حاکمان به تفرقه و اختلاف افکنی هم از دلایل مهم ایجاد فرقه‌ها بود. بنابراین یکی از علل مهم شکل‌گیری فرقه‌ها شرایط نامساعد سیاسی و حاکمیت در این دوران بود.

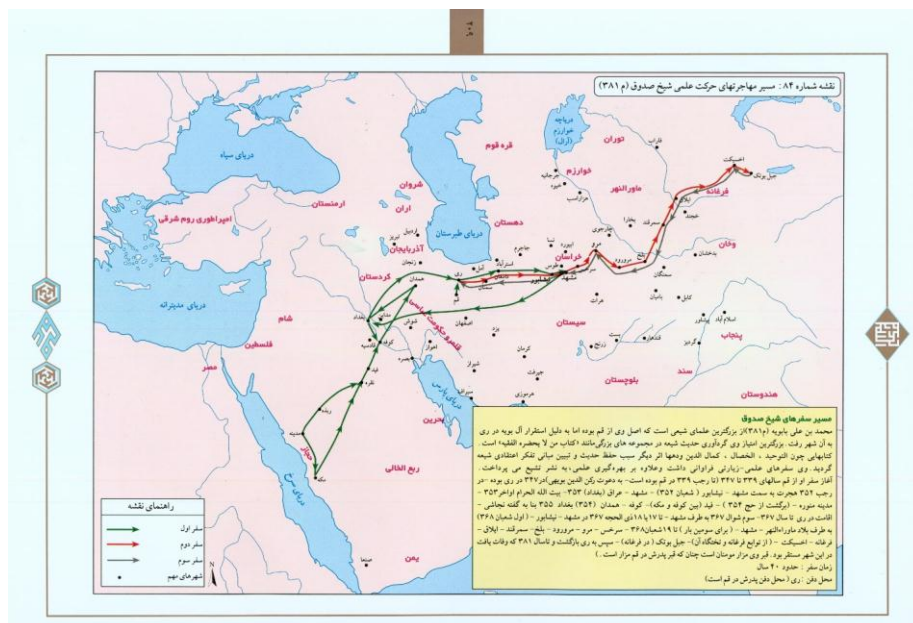
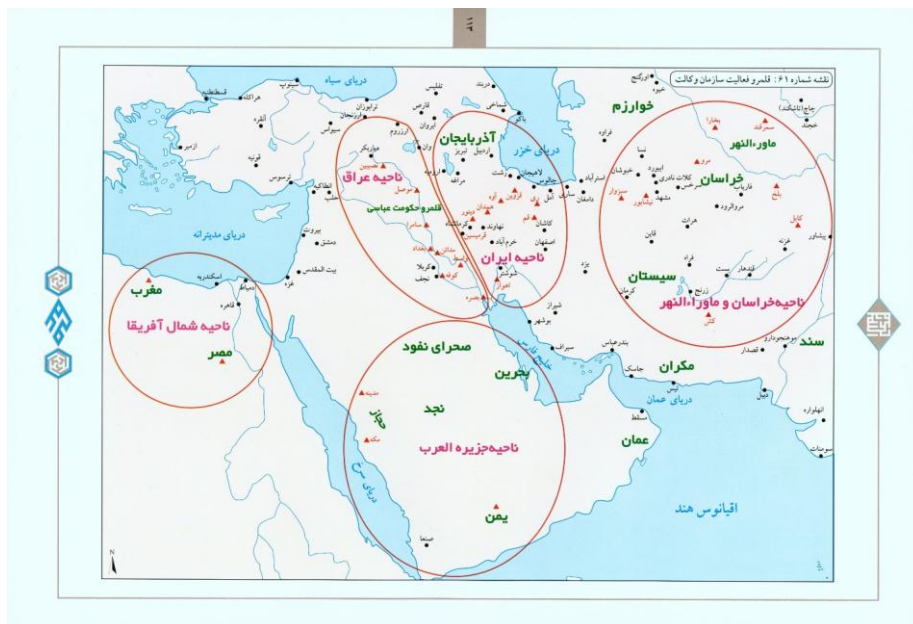
بنابراین با وجود این اندیشه‌های مختلف فرقه‌هایی به وجود آمدند. گرچه نمی‌توان به همه آنان نام فرقه نهاد چرا که بر اساس تعریف، فرقه‌هایی که در اسلام به وجود آمدند ابتدا احزاب و دسته‌های سیاسی بودند و بعد تبدیل به فرقه شدند. به تعبیر دیگر، «فرقه» واژه‌ای است که بر گروه یا حزبی دلالت دارد که نظریات و پیشوای مشترکی دارند و بنابراین، برای گروه‌های فلسفی و سیاسی نیز می‌توان این واژه را به کار برد؛ همان‌گونه که در مفاهیم مذهبی به کار می‌رود. (جعفریان، ۱۳۸۴ ش) از فرقه‌های این دوران به دلیل نداشتن این زمینه‌ها و بنیادهای فکری چیزی نمانده است و تنها فرقه‌ای که باقی ماند امامیه بود که با درایت و مدیریت ائمه شیعه هم‌چنان در طول تاریخ باقی و استوار مانده است. شیخ مفید تاکید دارد که در سال ۳۷۳ که وی مشغول تألیف کتاب بوده از فرقه‌های یاد شده تنها امامیه موجودیت خود را ادامه داده و به لحاظ تعداد و به لحاظ علمی پرجمعیت‌ترین فرقه شیعه بوده‌اند و دانشمندان علم کلام و صلحا و عبادت پیشگان فقیه و علمای حدیث و ادبا و شعرای زیادی را به خود اختصاص داده است. (شیخ مفید، ۱۴۱۴ ق: ۳۲۱؛ جعفریان، ۱۳۹۳ ش: ۵۷۴) تنها فرقه‌ای که تاحدودی مطرح بود جعفریه بود و آن هم در زمان شیخ طوسی پیروی برای وی بیان نشده است گفته شده در برخی مناطق دوردست یارانی برای وی ذکر شده است. (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۲۱۸؛ جعفریان، ۱۳۹۳ ش: ۵۷۴) بنابراین گروهی که توانست در مرکز خلافت اسلامی خود را حفظ کند و به مسیر خود ادامه دهد امامیه بود که با برنامه‌ریزی‌ها و مقدماتی که امامان شیعه طراحی کرده بودند از چنان استحکامی برخوردار بود که توانست از افتادن در فرقه‌سازی‌های مخرب جلوگیری کند.

نتیجه‌گیری

بعد از رحلت امام عسکری علیه السلام در میان شیعه فرقه‌هایی به وجود آمد. گرچه این فرقه‌ها ادامه نیافتند و بعد از مدت کوتاهی از بین رفتند. لذا شاید نتوان نام فرقه بر آنان گذاشت بلکه آنان بیشتر به عنوان یک فکر و گرایش مطرح شدند و طرفداران زیادی هم نداشتند. هرچند این فرقه‌ها از بین رفتند ولی این اندیشه‌ها و گرایش‌ها به گونه‌ای همواره در طول تاریخ وجود داشته است. شناخت این گرایش‌ها در عبرت‌گیری از تاریخ برای شناخت جریان‌های امروز اهمیت دارد. می‌توان گفت بیشترین و مؤثرترین اندیشه در فرقه‌گرایی اندیشه مهدویت بوده است. این اندیشه به دلیل این که در تفکر شیعه نهادینه بود و بیشتر مسلمانان به آن اعتقاد داشتند،

عامل مهمی برای شکل‌گیری گروه‌ها و اندیشه‌های مختلف بوده است. بنابراین می‌توان مهدی باوری را به عنوان مهم‌ترین عامل شکل‌گیری فرقه‌ها در دوران غیبت صغری و حتی تا به امروز دانست.





پرویش‌های ممدوی سال هفتم، شماره ۲۸، بهار ۱۳۹۸ ج

منابع

- ابن اثیر، *الکامل*، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵.
- ابوالحسن مسعودی، *مروج الذهب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۷۴.
- الحسنی (معروف به ابن عنبه)، جمال الدین احمد بن علی، *عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب*، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۲۵.
- ابی خلف الاشعری، سعد بن عبدالله، *المقالات والفرق*، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، دوم، ۱۳۶۳ ش.
- جعفریان، رسول، *اطلس شیعه*، تهران، سازمان جغرافیایی، ۱۳۸۷.
- _____، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، تهران، علم، ۱۳۹۳.
- _____، *مهدیان دروغین*، تهران، علم، ۱۳۹۴ ش.
- جعفریان، مجید، پیدایش فرقه‌گرایی در سازمان‌های دینی، *ماه‌نامه معرفت*، شماره ۹۱، ۱۳۸۴ ش.
- حاجی زاده، یدالله، *غالیان و شیوه‌های برخورد امامان معصوم با ایشان*، قم، نشر معارف، ۱۳۹۴.
- خامنه‌ای، سیدعلی، *انسان ۲۵ ساله*، تهران، مؤسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۱.
- خضری، سید احمد رضا، *تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه*، تهران، سمت، ۱۳۷۸.
- رفیعی، رفیع الدین، *طهر مطهر در تبریته جناب جعفر عموی امام زمان و عجله تعالی*، قم، یاران قائم، ۱۳۹۵.
- شافع مهرآبادی، سیدحسین؛ احمدی کجایی، مجید، کاوشی در بازشناسی جعفر بن علی الهادی علیه السلام، *مجله فلسفه و کلام پژوهش‌های مهدوی*، ش ۲۱، تابستان ۱۳۹۶.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، *الملل والنحل ابی الفتح*، قاهره، مکتبه الحسین التجاریه، ۱۳۶۸.
- شیخ مفید، *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، تهذیب، ۱۳۷۸.
- _____، *الفصول المختاره من العیون والمحاسن*، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴.
- شیرازی، حامد؛ آخرتی، امین، بررسی جامعه شناختی گرایش به فرقه‌های دینی: مطالعه طریقت نقش‌بندی در مریوان (کردستان)، *مطالعات میان فرهنگی*، سال نهم، شماره ۲۳.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله، *تعامل امام عسکری علیه السلام با فرقه‌ها و جریان‌های شیعی*، سخنرانی همایش سیره‌پژوهی سخن تاریخ.

- صفری فروشانی، نعمت‌الله؛ قاضی‌خانی، حسین، گونه‌شناسی مدعیان وکالت امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت صغری با رویکردی نقادانه به نظر احمدالکاتب، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۱۹، پائیز ۱۳۹۰.
- طالبی دارابی، باقر، امام غائب و فرقه‌های کاذب، دین و تغییر اجتماعی الگویی جامعه‌شناختی در تبیین بحران فرقه‌گرایی در جهان معاصر، فصل‌نامه علمی پژوهشی مشرق موعود، سال نهم، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۹۴.
- طبرسی، احمدبن علی، احتجاج، نجف، دارالنعمان، ۱۳۸۶ق.
- طوسی، محمدبن حسن، الغیبه، قم، دارالمعارف، ۱۴۱۱ق.
- _____، الفهرست، مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
- عسکری، مرتضی، عبدالله بن سبا و دیگر افسانه‌های تاریخی، ترجمه احمد فهری، تهران، مجمع علمی اسلامی، ۱۳۶۰.
- قاعدان، علی اصغر، علل و عوامل سیاسی و کلامی فرقه‌های شیعه، نامه تاریخ‌پوهان، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۸۶.
- قمی، شیخ عباس، منتهی‌الآمال (چاپ قدیم)، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامی، ۱۳۳۸.
- کریمی، مهدی، فرقه‌های بعد از امام حسن عسکری علیه السلام، نسخه الکترونیکی.
- کشی، محمدبن عمرو، اختیار معارف الرجال معروف به رجال کشی، مشهد، دانشکده الهیات، ۱۳۴۸.
- المجدی فی الانساب نجم الدین ابی الحسن علی بن محمد بن علی بن محمد بن علوی العمری النسابة من اعلام قرن الخامس، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳.
- مجموعه مقالات امت اسلامی از تنوع مذهبی تا فرقه‌گرایی، تهران، مجمع تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۹.
- محمد ابوالفضل ابراهیم، شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید، دارالکتب العربیه، ۱۳۷۸ق.
- مشکور، محمدجواد، فرهنگ فرق اسلامی، مقدمه کاظم مدیر شانه‌چی، مشهد، مرکز پژوهش‌های آستان قدس، ۱۳۷۲.
- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه نویختی، فرقه‌های شیعه از آغاز تا پایان سده سوم هجری، امیر حسین خنجی، تهران، نوریانی، ۱۳۵۴.